

زبان هنر؛ همچنان کارآمد و راهگشا

در ماه‌های اخیر و با اتفاقاتی نظیر ماجرای مشهد و جلوگیری از ورود بانوان به استادیوم برای تماشای بازی فوتبال، بار دیگر دغدغه مسائل مربوط به [حقوق زنان](#) در جامعه فراگیر شد. حواشی مربوط به زنان فعال در سینمای کشور نیز باعث صدور بیانیهای از سوی بانوان سینماگر شد که این بیانیه نیز موج دیگری در جامعه به راه انداخت.

همه این فعالیت‌های مدنی بدون شک حائز اهمیت و لازمه یک جامعه پویا و مطالبه‌گر است و در آن شکی نیست، اما بر کسی پوشیده نیست که این نگاه جنسیت‌زده به بانوان در جامعه ما، امری فرهنگی است که باید با راهکاری فرهنگی و نه روش‌های یک‌شبه و آنی رفع و رجوع شود. امروز اگر ما نگران وضعیت [مادران](#)، خواهران و همسران خود هستیم، باید بدانیم که وضعیت برای نسل‌های بعدی به مراتب بدتر از این خواهد بود و علاج واقعه در فرهنگسازی درست برای نسل‌های آینده است.

در همین راستا، استفاده از ابزار هنر و فرهنگسازی از دریچه تولید آثار خلاقه هنری شاید یکی از موثرترین راه‌ها برای نیل به این هدف باشد، چنان‌که شاعر می‌گوید: غیر از هنر که تاج سر آفرینش است / بنیاد هیچ منزلتی جاودانه نیست. باید دانست که فرهنگسازی برای یک ملت آشنا با فرهنگ که پشتش به قرن‌ها فرهنگ و تمدن پیشرو گرم است، مهم‌ترین راهکار برای رفع مسائل و معضلات اجتماعی است.

درست در همین ایام بود که شاهد برگزاری کارگاهی با محوریت نقاشی آزاد و با موضوع [زن و جامعه](#) در موسسه فرهنگی و هنری ایده بودم. کارگاهی که هنرمندانی چون ابراهیم اکبری گرز، فائزه افجه‌نیا، اعظم اکبر حلوائی، مهدی جلالی، کیوان عسگری، زهرا عیسی، اهورا محمدی، جهانبخش مطبوع و پیام یاسینی به خلق آثاری با موضوع «زن» پرداختند و هر کدام از بعد متفاوتی، مسائل و چالش‌های پیرامون [زنان](#) را در آثار خود به تصویر کشیدند. درباره هر کدام از تابلوهای خلق شده در این رویداد می‌توان ساعت‌ها نوشت و صحبت کرد. برای مثال اعظم اکبر حلوائی در تابلوی خود با رنگ‌های تند، خطوط ضخیم و فضای اکسپرسیو اثری خلق کرده که در آن فیگور زنانه‌ای را شاهد هستیم که با قرار گرفتن در مرکز تابلو در هجوم رنگ‌ها و خطوط - نشان‌دهنده تب و تاب درونی و بیرونی- واقع شده است.

تماشای این آثار بیش و پیش از هر چیز مرا به این فکر انداخت که

احتمالا تلاش برای احقاق حقوق زنان در جامعه، باید از چنین رویدادها و فرهنگسازیِ اینچنینی آغاز شود. یعنی این روشنفکران هستند که باید طلایه‌دار جنبش‌های مهم اجتماعی از رهگذر آثار خود باشند. آیا در تمام وقایع مهم 100 سال اخیر ایران، چیزی جز این اتفاق افتاده است؟

****پیمان طالبی**